

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تعلیم و تربیت

وزن

دوره، هشتم، شماره یکدهم

نام جزوه: تعلیم و تربیت و زن
نویسنده: هیأت تحریریه موسسه در راه حق
ناشر: موسسه در راه حق
نوبت چاپ: مکرر
تاریخ چاپ: ۱۳۹۷ هـ ش
چاپخانه: سلمان فارسی
نشانی: قم، خیابان آیت الله مرعشی نجفی (ارم)
کوچه ۲۰ - پلاک ۱۰ - موسسه در راه حق
تلفن: ۲-۳۷۷۴۳۲۲۱ (۰۲۵)

www.darrahehaq.com

سامانه پاسخگویی پیامکی: ۱۰۰۰۲۲۲۳۳۳

رایگان

فهرست مطالب

۶.....	مقدمه
۶.....	بیان یک قانون.....
۷.....	موقعیت تکوینی زن.....
۱۵.....	مسئولیت تربیتی، اخلاقی زن قبل از ازدواج.....
۱۶.....	مسئولیت زن در برابر خود.....
۲۲.....	مسئولیت در برابر دیگران.....
۳۳.....	مسئولیت تربیتی، اخلاقی زن بعد از ازدواج.....
۳۴.....	اوّلین وظیفه.....
۳۵.....	حسن تَبَعْلُ.....
۴۶.....	(اینان) برای همیشه در جهنّمند.....

دوره هشتم، شماره هیجدهم / ۵

۵۲.....دومین وظیفه زن

۵۳.....وظیفه زن در ساختار کودک

۵۷.....تغذیه حلال

مقدمه

تعلیم و تربیت از پراهمیت ترین مسائل اجتماعی بشر است. و هر قشر، گروه و صنفی در حلّ این مسأله خود را باید سهم بداند. در دیدگاه اسلام، سهم زن در این معضله اجتماعی تا چه حدّ است؟ به عبارت دیگر زن چه اندازه نقش در تعلیم و تربیت فرد و اجتماع دارد؟ و یا جایگاه او در نظام تعلیمی و تربیتی بشر چیست؟

بیان یک قانون

محصول هر پدیده و بهره رسانی او در نظام طبیعت، معلول ارزش وجودی و ظهور فعلی استعدادهای اوست. در نظام طبیعت هر قدر استعدادها قوی تر و ظهور فعلی آنها بیشتر باشد، آن موجود کمال یافته تر

دوره هشتم، شماره هیجدهم / ۷

و بهره رسانی او به دیگران بیشتر خواهد بود. با توجه به این موضوع ابتدا به موقعیت تکوینی زن پرداخته و پس از آشنایی با ارزش وجودی و استعدادهای موجود در او به بررسی جایگاه زن در نظام تعلیمی و تربیتی خواهیم نشست. و سهم و حد بهره دهی او را مشخص خواهیم ساخت.

موقعیت تکوینی زن

طبق بیان قرآن، خداوند متعال آدم را آفرید و از او حوا را به عنوان همسرش خلق کرد. و از آن دو انسانهای بسیاری را در زمین پدید آورد، و پراکنده ساخت.^۱

۱. يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَاءً... سورة نساء، آیه ۱.

زن به عنوان انسان، مکلف به انجام اوامر الهی و ترک نواهی از جانب خدا می باشد. مکلف بودنش نشانه این است که او موجودی مسؤول، مختار، عاقل و دارای اراده است. به خود وا گذاشته نشده و باید طبق مقررات و ضوابط الهی و عقلی بیندیشد و عمل نماید. سعادت و کمال فعلی او در شناخت مسؤولیت و وظیفه شرعی، عقلی، اجتماعی و عمل به آنها است؛ چنانکه انحطاط او در خروج از مسیر ضوابط عقلی، انسانی و شرعی می باشد.

زن در انجام وظیفه انسانی و الهی هیچ تفاوتی با مرد ندارد. «وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ وَلَا لِمُؤْمِنَةٍ إِذَا قَضَى اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَمْرًا أَنْ يَكُونَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ مِنْ أَمْرِهِمْ وَمَنْ يَعْصِ

دوره هشتم، شماره هیجدهم / ۹

اللَّهِ وَرَسُولَهُ قَدْ ضَلَّ ضَلَالًا مُّبِينًا^۱؛ هیچ زن و مرد مؤمنی را در کاری که خدا و رسول حکم کنند، اختیاری نیست (که در قبال آن اظهار رأی کنند) و هرکس خدا و رسول را نافرمانی کند، در گمراهی آشکار افتاده است.

زنان چون مردان باید بر امور عبادی قیام کنند تا مشمول مغفرت و پاداش عظیم الهی قرار گیرند: «إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْقَانِتِينَ وَالْقَانِتَاتِ وَالصَّادِقِينَ وَالصَّادِقَاتِ وَالصَّابِرِينَ وَالصَّابِرَاتِ وَالْخَاشِعِينَ وَالْخَاشِعَاتِ وَالْمُتَصَدِّقِينَ وَالْمُتَصَدِّقَاتِ وَالصَّائِمِينَ وَالصَّائِمَاتِ وَالْحَافِظِينَ فُرُوجَهُمْ وَالْحَافِظَاتِ وَالذَّاكِرِينَ اللَّهَ

۱۰ / تعلیم و تربیت و زن

كَثِيرًا وَالذَّاكِرَاتِ اَعَدَّ اللهُ لَهُمْ مَغْفِرَةً وَاَجْرًا عَظِيمًا؛^۱

به راستی که مردان و زنان مسلمان، مردان و زنان مؤمن، مردان و زنان اهل طاعت، مردان و زنان راستگوی، مردان و زنان صابر، مردان و زنان خاشع، مردان و زنان زکاة و صدقه بده و مسکین نواز، مردان و زنان روزه دار، مردان و زنان با حفاظ و خوددار از تمایلات و شهوت حرام و مردان و زنانی که یاد خدا بسیار می کنند، خدا برای همه آنها مغفرت و پاداش بزرگ مهیا ساخته است.

زن دارای همان ارزش وجودی است که مرد دارد. و آن ارزشی فوق ارزش مادی، نباتی و حیوانی است. ارزشی بسیار معنوی و بزرگ که در کلام

دوره هشتم، شماره هیجدهم / ۱۱

خدای متعال (و نفخت فيه من روحی،^۱ تبارک الله احسن الخالقین)^۲ جلوه کرده است. زن علاوه بر موقعیت تکوینی، در مرتبه انسانی دارای موقعیت تکوینی در مرتبه جسمانی و حیوانی است که تفاوت هایی با مرد دارد. وبه لحاظ این تفاوت، طبیعت، عقل و دین وظیفه ای جدا از وظیفه مرد بر عهده زن گذاشته شده، وظیفه ای که هرگز مرد قادر به پذیرش و انجام آن نیست و هیچ قدرتی قادر به تبدیل آن نمی باشد و همان گونه که تساوی زن و مرد در موقعیت تکوینی در مرتبه جسمانی و حیوانی امری محال می باشد؛ تساوی آن دو در مسؤولیت

۱. سوره ص، آیه ۷۲.

۲. سوره مؤمنون، آیه ۱۴.

پذیری و تکلیف و داشتن وظیفه به لحاظ این موقعیت تکوینی امری محال است.

زن به مقتضای ساختمان جسمانی، قابلیت یافته تا موجودی از نوع انسان در او رشد یابد. و این تفاوت بارزی است بین مرد و زن، البته تفاوت های جسمانی و احیاناً روحی موقعیت تکوینی و ارزش وجودی زن را نسبت به مرد پائین نمی آورد. فقط در مسؤولیت پذیری اجتماعی و فردی تأثیر می گذارد. زن به عنوان انسان و موجودی عاقل از موقعیت تکوینی عالی انسانی برخوردار است. و باتوجه به ساختمان روحی و جسمانی خویش - که لازمه ذاتی اوست - دارای مسؤولیت پذیری خاصی می باشد. بهره رسانی زن به لحاظ موقعیت انسانی اش - که

دوره هشتم، شماره هیجدهم / ۱۳

ارزش وجودی او را تشکیل می دهد - به خودش و اجتماع باید انسانی باشد و برای این بهره رسانی باید مسؤولیتی مطابق با وضع روحی و جسمانی اش بپذیرد. و بهره دهی تعلیمی و تربیتی زن وقتی ممکن است که برخورد نظام جامعه با زن هماهنگ با موقعیت تکوینی و ارزش وجودی او باشد. در غیراین صورت نه تنها شخصیت زن نادیده گرفته خواهد شد، بلکه زن عاملی علیه اصلاح و تهذیب اخلاق جامعه خواهد گشت^۱.

۱. چنان که جوامع امروز شاهد و برهان روشن این مطلب است.

اسلام باتوجه به ارزش وجودی و موقعیت تکوینی زن، او را در تربیت اخلاق جامعه مسؤول و مکلف قرار داده است.

لازم به بیان است که مسؤول تربیتی جامعه فقط به عهده یک مربی تربیتی اخلاقی و یا یک واعظ و یا یک عالم دینی نیست، بلکه هر شخصی به اقتضای این که در اجتماع زندگی می کند مسؤول تربیت اخلاقی محیط و مردم است. زندگی اجتماعی در بردارنده چنین مسؤولیتی نیز هست و این مسؤولیت شرط زمانی و مکانی خاصی ندارد. فرد در هر شرایط سنی، زمانی و مکانی ملزم به رعایت آن است. با توجه به بیان فوق به بررسی مسؤولیت تربیتی اخلاقی زن تحت عناوین ذیل می پردازیم.

دوره هشتم، شماره هیجدهم / ۱۵

الف: مسؤولیت تربیتی، اخلاقی زن قبل از

ازدواج

ب: مسؤولیت تربیتی، اخلاقی زن هنگام ازدواج

ج: مسؤولیت تربیتی، اخلاقی زن بعد از ازدواج

مسؤولیت تربیتی، اخلاقی زن قبل از ازدواج

زن قبل از ازدواج، به عنوان دختر و فرزند خانواده در

کنار پدر و مادر و دیگر اعضاء زندگی می کند.

مسؤولیت تربیتی، اخلاقی او در این دوره از زندگی

چیست؟ زندگی او در خانه می تواند دوجنبه داشته

باشد:

۱- زندگی او برای خود.

۲- زندگی او برای دیگران.

با توجه به این دو جنبه در زندگی، دو
مسئولیت دارد:

۱- مسئولیت در برابر خود.

۲- مسئولیت در برابر دیگران.

زندگی هر شخصی برای دیگران وقتی مفید و
پرثمر است که زندگی برای خودش، همراه با تربیت
اخلاقی صحیح باشد. و زن آن گاه قادر خواهد شد،
مسئولیت خویش را در تربیت اخلاقی جامعه به
انجام رساند، که به مسئولیت عقلی دینی و انسانی در
برابر خود عمل کرده باشد.

مسئولیت زن در برابر خود

انجام هر وظیفه و مسئولیتی در شعاع علم و آگاهی و
پیدا کردن اراده ای محکم و انسانی ممکن است. به

دوره هشتم، شماره هیجدهم / ۱۷

همین جهت آگاهی و آموختن مسائل ضروری و داشتن شناخت لازم و صحیح از خود و دنیای اطراف خود اولین وظیفه اوست. او با آگاهی لازم به موقعیت وجودی و تکوینی خویش و با علم به مسائل ضروری زندگی در بُعد معنوی و مادی و با شناخت دنیا و فرهنگ جامعه خود توأم با اراده ای قوی قادر خواهد شد، به حراست از اصیل ترین صفات فضیلت «حیا و عفت» پردازد. و در پرتو آن صفات، سعادت دنیا و آخرتش را تأمین کند. هیچ عامل معنوی چون حفظ حیا و عفت در سعادت زن مؤثر نیست. ظهور فعلی این دو صفت زیربنا و اساس حفظ عزت، شخصیت انسانی، تقوای الهی، دینداری و توجه به اصول انسانی و اخلاق دینی است.

امیرالمؤمنین ((علیه السلام)) راجع به این دو صفت انسانی فرمودند:

«الْحَيَاءُ مِفْتَاحُ كُلِّ خَيْرٍ»^۱؛ حیا، کلید هر خوبی است.

«الْعِفَّةُ رَأْسُ كُلِّ خَيْرٍ»^۲؛ عفت، منشأ هر خیری است.

با این که عفت منشأ هر عمل شایسته است، ولی صفتی است که ثمره حیا می باشد.

«ثَمَرَةُ الْحَيَاءِ الْعِفَّةُ»^۱؛ میوه حیا، عفت است و در باره ثمره عفت فرمود: «ثَمَرَةُ الْعِفَّةِ الصِّيَانَةُ»^۲؛ ثمره عفت، صیانت (و نگهداری نفس از رذایل) است.

۱. شرح غرر، ج ۱، ص ۹۳، ش ۳۴۰.

۲. همان، ج ۱، ص ۳۰۶، ش ۱۱۶۸.

دوره هشتم، شماره هیجدهم / ۱۹

زن با ظهور فعلی حیا و عفت، شرط لازم تربیت اخلاق دینی را در خود ایجاد کرده و به پیام های عقل و اخلاق دینی گوش می دهد. و نفس خویش را از هوس های شیطانی دور ساخته و از افعال زشت مصون می دارد.

علی ((علیه السلام)) فرمود: «الْحَيَاءُ يَصُدُّ عَنِ فِعْلِ الْقَبِيحِ»^۳؛ حیا، «شخص را» از انجام کار زشت بازمی دارد.

۱. همان، ج ۳، ص ۳۲۶، ش ۴۶۱۲.

۲. شرح غرر، ج ۳، ص ۳۲۳، ش ۴۵۹۳.

۳. همان، ج ۱، ص ۳۶۶، ش ۱۳۹۳.

۲۰ / تعلیم و تربیت و زن

«الْعِفَافُ يَصُونُ النَّفْسَ وَيُنْزِعُهَا عَنِ الدُّنْيَا»^۱؛

عفت، نفس را (از گناه) حفظ کرده و آن را از پستی ها پاک می گرداند.

آنچه در آن حیا نیست در بیان قول حق و عمل به حق است. «مَنْ اسْتَحْيَى مِنْ قَوْلِ الْحَقِّ فَهُوَ أَحْمَقُ»^۲؛ کسی که از (بیان) قول حق حیا کند. او احمق است.

زن با دوری از هوس های شیطانی در شعاع ایمان به خدا و داشتن حیا و عفت، فرصت ها را در فراگیری هنرهایی که شایسته مقام والای انسانی اوست، خواهد گذراند. و با فعلیت آنها از

۱. همان، ج ۲، ص ۱۰۶، ش ۱۹۸۹.

۲. شرح غرر، ج ۵، ص ۳۳۹، ش ۸۶۵۰.

دوره هشتم، شماره هیجدهم / ۲۱

آلودگی های اخلاقی که دامن گیر بسیاری از زنان در هنگام بیکاری می شود، در امان خواهد ماند. و وقت را در نمایش و ظهور هنرهای زیبا به پایان خواهد برد.^۱ چنین زنی دارای خیر بسیار است و بیان امام صادق ((علیه السلام)) که فرمود: «أَكْثَرُ الْخَيْرِ فِي النِّسَاءِ»^۲ حمل بر چنین زنانی می شود. خیر کثیر در زنی است که در شعاع حیا و عفت به صفات زیبای اخلاقی تجهیز شده باشد و هنرهای زیبا (مورد تأیید

۱. مقصود از هنرهای زیبا و شایسته مقام زن، هنر معلّمی، پرستاری، خیاطی، بافندگی، خانه داری، روش صحیح تربیت کودک، کسب تخصص در پزشکی، بخصوص فراگیری مداوای بیماری های زنانه و... می باشد.

۲. من لایحضره الفقیه ج ۳، ص ۲۴۳، باب ۱۰۴ - وسائل

الشیعۀ ج ۱۴، ص ۱۱، حدیث ۱۱.

عقل و دین) در او ظهور یافته باشد، در غیر این صورت از زن جز شرّ صادر نخواهد شد. یک موجود بی حیا، بی عفت و دور از فضایل انسانی هرچند هم دارای هنری خوب و پسندیده باشد، به مسؤولیت تربیتی اخلاقی که در شأن انسان است، عمل نکرده است.

مسؤولیت در برابر دیگران

آن گاه که زن به وظیفه تربیت اخلاقی در برابر خود عمل کرد، عالی ترین خدمت تربیتی، اخلاقی را در قبال اجتماع خود انجام داده است. بزرگ ترین و بهترین ثمره این خدمت بعد از ازدواج ظاهر می شود که به بررسی آن خواهیم نشست. او با حفظ عفت و حیا هرگز عامل شیطان در گمراهی جوانان و فساد

دوره هشتم، شماره هیجدهم / ۲۳

اخلاقی و محرک شهوانی نخواهد شد. چه بسیار از زنانی که بانداستن حیا و عفت لازم نه تنها حیثیت و شخصیت انسانی خود را قربانی هوس های شهوانی کردند، بلکه با ورود به خیابان و مراکز عمومی باعث تحریک شهوانی جوانان شده و روح ایمان، تقوا و عظمت انسانی را در آنان نیز نابود ساختند. وبا ایجاد فساد اخلاقی بزرگ ترین خیانت را به جامعه و مردم کردند، چنین زنانی مورد لعن و نفرین هستند.

رسول خدا ((صلی الله علیه وآله)) فرمود: «أَيُّ

إِمْرَأَةٍ تَطَيَّبَتْ وَخَرَجَتْ مِنْ بَيْتِهَا فَهِيَ تُلْعَنُ حَتَّى تَرْجِعَ إِلَى بَيْتِهَا مَتَى مَا رَجَعَتْ»؛ هر زنی که عطر زند و از

خانه اش خارج شود، مورد نفرین و لعن است تا زمانی که به خانه اش برگردد.

استعمال عطر در هنگام خروج از خانه نمونه آرایشی است که عرضه شهوانی را دربردارد.

زن با حجاب، عفیف و دارای حیا، با وقار و متانتِ خویش، پاسدار حرمِ عزّت، شرف و انسانیتِ خانواده و اجتماع خویش است. او با هنرهای زیبایی که فرا گرفته و با عفت و حیا توأم نموده؛ مسؤلیت علمی، تربیتی و... خود را در برابر جامعه به انجام می‌رساند، و ناشر حیا و عفت در محیط می‌شود.

عالی‌ترین خدمت به جامعه از سوی زن این است که قبل از ازدواج خودش را برای پرورش انسان‌های بلند مرتبه - که بعد از ازدواج به آن

دوره هشتم، شماره هیجدهم / ۲۵

خواهد پرداخت - آماده کند. و با پرورش انسان های مؤمن، عامل نشر ایمان و کلمه توحید و اخلاق انسانی باشد. و چنین خدمتی فقط در شعاع حیا، عفت و تزکیه نفس ممکن است.

مسئولیت تربیتی، اخلاقی زن هنگام ازدواج

مسأله ازدواج مرد و زن بالاتر از آن چیزی است که در میان موجودات دیگر مشاهده می شود. اطفاء شهوت در بین موجوداتی مانند حیوانات فقط برای ارضاء شهوت و بقاء نوع است.

و به همین جهت، هیچ قید و شرطی در ارضاء شهوت و تولید مثل در حیوانات وجود ندارد. آنها صرفاً محکوم قانون غریزی هستند، ولی در انسان

چنین نیست. ازدواج مرد و زن در اجتماع انسانها دارای دو جهت است:

۱. اطفاء شهوت و تولید مثل.

۲. رعایت مسائل دینی و معنوی در ازدواج و

تولید مثل. بقاء نوع نه فقط برای ماندن نسل انسان، بلکه ماندن نوع انسان برای ادامه دین داری و تحقق وابستگی ارادی به خدای متعال است؛ و برای ظهور چنین کیفیتی فقط به ارضاء شهوت و فرزنددار شدن اندیشیدن کافی نیست، بلکه آنچه دخالت اساسی در ظهور فعلی آن کیفیت دارد؛ تهذیب نفس پدر و مادر در جمیع ابعاد نفس و داشتن حسن خلق و مکارم اخلاق است. البته پس از آن که نطفه در جایگاه خود قرار گرفت، بیشترین مسؤولیت بلکه تمام مسؤولیت

دوره هشتم، شماره هیجدهم / ۲۷

برعهده زن قرار می گیرد؛ زیرا قبل از استقرار نطفه در جایگاه خاص رشد، مرد و زن هر دو به طور مساوی مسؤولند، لکن بعد از استقرار، رابطه مستقیم با رشد را، زن به عهده می گیرد.^۱ وجود زن جایگاه رشد و پرورش محصولی است که روح الهی در او دمیده می شود، به همین جهت، مزرعه وجود او هر قدر آماده تر، پاک تر و قابلیت بیشتری داشته باشد، ظهور فعلی روح الهی و فطرت های انسانی در او قوی تر خواهد بود چنانکه اگر محیط پرورش (وجود زن) آلوده به رذایل باشد و حاکم بر رفتار و اندیشه زن و جنین موجود در رحم، نفس اماره باشد؛ ظهور

۱. اثرگذاری مرد غیر مستقیم است که به آن اشاره خواهیم کرد.

روح الهی و فطرت های انسانی در او ضعیف و گرایش های منفی در او قوی خواهند بود. بنابراین، زن هنگام ازدواج باید به این مسأله اصلی (که ملازم با ازدواج است) توجه لازم و کافی را داشته باشد.

اولاً: وجود خویش را آماده برای شکوفایی

چنین محصولی ببیند.

ثانیاً: در انتخاب شوهر اصل تقوا، ایمان و

راستی را رعایت کند. چنین زنی از خوبی بسیار برای خود، جامعه و نظام الهی برخوردار خواهد بود. از امام صادق ((علیه السلام)) نقل شده که می فرمود: **أَكْثَرُ الْخَيْرِ فِي النِّسَاءِ؛** بیشترین خیر و خوبی در زنان است. فهم این روایت آن گاه حاصل می شود که

دوره هشتم، شماره هیجدهم / ۲۹

نقش تربیتی، اخلاقی زن را در اجتماع بشری مورد نظر و دقت قرار دهیم، وبه مسؤولیت تربیتی او آشنا شویم. آن گاه که زن وجودش را برای پرورش یک انسان بلند مرتبه آماده کند و با مردی همشان خود در راستی و دیانت ازدواج کند، وجودش منشأ آن چنان خیر و برکتی خواهد بود که باهیچ خیری قابل مقایسه نخواهد بود؛ زیرا پروراندن انسان الهی خیر نهایی آفرینش جهان است^۱ و او وجودش را برای این خیرنهایی مهیا ساخته است. البته به ثمره نشستن این خیرنهایی در وجود زن شرط دیگری هم دارد و آن ازدواج با مردی دین دار و دارای اخلاقی پسندیده و

۱. یَابْنَ اَدَمَ خَلَقْتُ الْاَشْيَاءَ لِاِجْلِكَ وَخَلَقْتُكَ لِاِجْلِي - مجموع

رسائل، ص ۸۱۹ (از حکیم سبزواری).

الهی است. زن در هنگام ازدواج باید به این شرط عمل کند تا مسؤولیت تربیتی، اخلاقی خویش را هنگام ازدواج به انجام رساند. رسول خدا ((صلی الله علیه و آله)) فرمود:

«...إِذَا جَاءَكُمُ مَن تَرْضَوْنَ خُلُقَهُ وَدِينَهُ فَرَوْجُوهُ إِلَّا

تَفْعَلُوهُ تَكُنْ فِتْنَةً فِي الْأَرْضِ وَفَسَادٌ كَبِيرٌ»؛ آن زمانی که فردی برای خواستگاری به نزد شما آمد و اخلاق و دینش مورد رضایت شماست، پس او را به ازدواج (دخترتان) در آورید. ترک این کار سبب فتنه در زمین و فساد بزرگ می شود. توضیح این که ازدواج زن و مرد از چند حالت خارج نیست:

دوره هشتم، شماره هیجدهم / ۳۱

۱- ازدواج زن صالحه با مرد صالح

۲- ازدواج زن فاسد با مرد فاسد

۳- ازدواج مرد صالح با زن فاسد

۴- ازدواج زن صالحه با مرد فاسد.

اگر جامعه متشکل از خانواده هایی باشد که حالت اول را دارند، آن جامعه صالح و دور از فتنه و فساد خواهد بود و این حالت مطلوب اسلام است. اما جامعه تشکیل شده از خانواده هایی که در مسأله ازدواج حالت دوم را دارند (مرد و زن هر دو فاسدند). چنین جامعه ای بر بنیان فتنه و فساد است. و غالب فرزندان ظهور یافته در دامان چنان مرد و زنی محکوم به فساد اخلاقی و تربیتی هستند.

اما در حالت سوّم (ازدواج مرد صالح با زن فاسد) ممکن است زن محکوم اخلاق انسانی مرد شود و ممکن است مرد محکوم اخلاق فاسد زن گردد. چنین خانواده ای در صورت دوّم سبب فساد در جامعه خواهد شد.

و در حالت چهارم نیز اگر مرد تحت تأثیر اخلاق انسانی و دینی زن قرا گیرد، جامعه از فساد آنها در امان خواهد بود و اگر عکس شد و زن پاکی و دیانت خویش را محکوم مرد فاسد قرار دهد، کانون فساد در اجتماع خواهند شد.

جمله «إِلَّا تَفْعَلُوهُ تَكُنْ فِتْنَةٌ فِي الْأَرْضِ وَ فَسَادٌ

کبیر» شاید اشاره دارد به حالت دوّم و حالت سوّم و

دوره هشتم، شماره هیجدهم / ۳۳

چهارم در صورتی که اثر مرد بر زن یا زن بر مرد منفی باشد.

مسئولیت تربیتی، اخلاقی زن بعد از ازدواج:

زن بعد از ازدواج علاوه برمسئولیت‌های قبلی با وظایف جدیدی روبرو می شود. او پس از عمل به وظیفه انسانی خویش قبل از ازدواج و هنگام ازدواج برای عمل به مسئولیت و انجام وظایف بعد از ازدواج از آمادگی لازم برخوردار است. او پس از انتخاب مردی شایسته برای زندگی و به وجودآمدن خانواده جدید و نو به انجام مسئولیت‌های جدید می پردازد که مسئولیت‌های تربیتی، اخلاقی زن را بعد از ازدواج تشکیل می دهد. اولین وظیفه که سبب استحکام خانواده شده و محیط را برای انجام وظایف

بعدی و رسیدن به هدف اصلی ازدواج آماده می‌سازد، رعایت حقوق شرعی و اخلاقی مرد است. چنانکه اولین وظیفه مرد نیز رعایت حقوق شرعی و اخلاقی زن می‌باشد. و دومین وظیفه و مسؤلیت زن در قبال موجودی است که روح الهی پس از طی مراحل در او دمیده می‌شود. این دو وظیفه کلی از وظایف سیار مهم، بلکه اهم مسایل اجتماعی زن است که مسائل بسیاری را از نظر حقوقی و اخلاقی به همراه دارد. ضمن تبیین این دو وظیفه کلی به برخی از مسایل آنها اشاره ای خواهیم داشت.

اولین وظیفه

بهترین تعبیر در مورد اولین وظیفه تعبیری است که در متن روایات معصومین ((علیهم السلام)) آمده، و

دوره هشتم، شماره هیجدهم / ۳۵

آن «حسن تبعل» است^۱. معنای حسن تبعل یا نیکو شوهرداری کردن چیست؟ و چه فوایدی از نظر انسانی و اجتماعی بر آن مترتب است؟

حسن تبعل

قرآن مجید، جایگاه خاصی را برای زن در رابطه با مرد از نظر تکوین بیان کرده است. این جایگاه تکوینی خاص برای زن بدان جهت است که مناسب با ساختمان وجودی اوست. و آن جایگاه، عبارت از سکون و آرامش بودن زن برای مرد است. «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ

۱. ... عن موسى بن بكر - عن أبي إبراهيم ((عليه السلام)) قال: جهادُ المرأةِ حُسْنُ التَّبَعْلِ. وسائل الشَّيْخِ، ج ۱۴،

بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ^۱؛

از نشانه های خدا این است که از جنس خودتان زوج ها و همسرانی را آفرید. برای این که (در کنارشان) آرامش یابید و بین شما (زن و مرد) دوستی و مهربانی را قرار داد. به راستی که در این مطلب نشانه هایی است برای گروهی که بیندیشند.

سکونت و آرامش، مودت و دوستی، رحمت و مهربانی در آیه، قرار دادی و اعتباری نیست؛ زیرا امر قراردادی و اعتباری از چند ویژگی برخوردار است که خارج از سیاق آیه می باشد.

۱- این که امر قراردادی و اعتباری، قابل نقض

بوده و تغییرپذیر است.

دوره هشتم، شماره هیجدهم / ۳۷

۲- امر قراردادی، صوری بوده و واقعیت و حقیقتی در خارج ندارد.

۳- این که امر اعتباری و قراردادی ممکن است تحمیلی باشد.

آیه از سکونت، مودت و رحمتی سخن می گوید که قابل تغییر و نقض نیست، اگرچه ممکن است زن به عنوان این که موجودی صاحب اراده و اختیار هست به سکونت ظهور فعلی نبخشد. و نیز آیه از سکونتی واقعی و حقیقی سخن می گوید نه صوری و ظاهری. زن واقعاً مایه سکونت است. و مودت و رحمت بین مرد و زن، مودت و رحمتی واقعی است نه این که صرف اعتبار دوستی و رحمت باشد و دیگر این که سکونت زن برای مرد امری

تحمیلی بر زن نیست، بلکه یک احساس درونی است که همراه با ساختمان روحی زن است.

امام سجاد ((علیه السلام)) فرمودند: «أَمَّا حَقُّ الزَّوْجَةِ: فَإِنَّ تَعْلَمَ أَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ جَعَلَهَا لَكَ سَكْنًا وَأُنْسًا فَتَعْلَمَ أَنَّ ذَلِكَ نِعْمَةٌ مِنَ اللَّهِ عَلَيْكَ فَتُكْرِمَهَا وَتَرْفُقَ بِهَا»^۱؛ حق زن بر شوهر این است که بدانی خدای (عزّ و جل) زن را مایه آرامش و انس برای تو قرار داده و بدانی که این نعمتی از جانب خدا برای توست. پس زن خود را گرامی بدار و با او مدارا کن. حسن تبعل زن ریشه در این جایگاه خاص تکوینی دارد. به همین جهت، محور در حسن تبعل سکونت زن برای مرد است که نتیجه این سکونت

دوره هشتم، شماره هیجدهم / ۳۹

بقاء کانون خانواده بر مودّت و مهربانی می باشد. و نکته قابل توجّه این که تمام توصیه های اسلام برخوش رفتاری و اطاعت زن از مرد برگشت به این حقیقت تکوینی می کند و در واقع به زن می آموزد که ظهور فعلی سکونت نهفته در رعایت این سفارشات حقوقی، اخلاقی و تربیتی است.^۱ چنانکه فعالیت و تلاش مرد در بیرون از خانه غالباً جهت تهیه لوازم رفاه و آسایش زن ریشه در ساختمان وجودی و روحی او دارد.

۱. عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ((عليه السلام)) قَالَ: جَاءَتْ امْرَأَةً إِلَى النَّبِيِّ ((صلى الله عليه وآله)) فَقَالَتْ يَا رَسُولَ اللَّهِ «ص» مَا حَقُّ الزَّوْجِ عَلَى الْمَرْأَةِ؟ فَقَالَ لَهَا أَنْ تَطِيعَهُ وَلَا تَعْصِيَهُ وَلَا تَصْدُقَ مَنْ بَيْتِهِ إِلَّا بِأَذْنِهِ... وَالْأَخْرَجَ مِنْ بَيْتِهَا إِلَّا بِأَذْنِهِ... وَسَائِلُ الشَّيْعَةِ، ج ۱۴، ص ۱۱۲.

حسن تبعل زن تنها نهفته در خدمات مادی او در خانه نیست، بلکه حسن تبعل بعد دیگری دارد و آن خدمات معنوی و انسانی اوست که اهمیتی فوق خدمات مادی دارد. او همان گونه که از بعد اخلاقی به عنوان خانم و بانوی خانه مسؤول آرایش خانه و خودش و فرزندانش هست. مسؤول زینت و زیبایی باطنی و حسن خلق در برخورد با شوهر و فرزندان نیز هست. حسن تبعل در بردارنده توجه به خواسته های اخلاقی، حقوقی و شرعی شوهر و فرزندان است.

حرکت های منفی زن در خانه (از قبیل خواسته های دور از طاقت و توانایی شوهر، توجه نکردن به وضع ظاهری خانه و خود، بی اعتنائی به

دوره هشتم، شماره هیجدهم / ۴۱

ورود یا خروج شوهر و وضع لباس و بهداشت فرزندان، توجه نداشتن به مسائل محرم و نامحرم، حیا، عفت، تحقیر شوهر در نزد فرزندان و خویشان، لجاجت، و...) خلاف حسن تبعل بوده و آرامش خانه را توسط زن (که ریشه در بنیان تکوینی او دارد) به هم می زند. و شاید بتوان گفت که از علل مهم حرکت های منفی زن در خانه این است که او به خاطر زن بودن احساس حقارت می کند و می خواهد جایگاه خود را به مرد خانه بدهد و خود در جایگاه مرد بنشیند. و در واقع نقش مرد را در زندگی ایفا کند و به جهت این که در حیات تکوینی قادر به تغییر چنین وضعی نیست، تصمیم می گیرد در جهات ارادی به ایفاء این نقش پردازد. و برای

ایفاء چنین نقشی اولین کارش تحقیر مرد و اظهار نقطه ضعف های مرد برای شکست وقار و عظمت مرد است. چنین زنی است که مصداق این حدیث شریف واقع می شود؛ از امام صادق ((علیه السلام)) است که فرموده اند: **اغلب الاعداء للمؤمن زوجة السوء**^۱.

او پس از موفقیت در این امر به خواسته هایی که آنها را حرکت منفی در خانه می نامیم، می رسد. در این صورت زن با خروج از مسیر ارادی صحیح، جایگاه تکوینی و روحی خویش را نادیده گرفته، و در مسیری که خارج از واقعیت های تکوینی

۱. وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۱۲ و مناسب همین جا می باشد حدیث ۱ و ۳ و ۴، صص ۱۸ - ۱۹.

دوره هشتم، شماره هیجدهم / ۴۳

وجودش هست گام برمی دارد. واقعیت های تکوینی که در صفحات گذشته بدان اشاره کردیم. و در نتیجه نقش تربیتی، اخلاقی خود را از دست می دهد. چنین زنی با ورود به مراکز آموزشی، اداری، اقتصادی، سیاسی به لحاظ خروج از جایگاه اصلی خود، برای جامعه مضر خواهد بود. در این مراکز ممکن است تبدیل به توپ شهوانی جنسی و یا وسیله ای برای اعمال سیاست ها و فرهنگ های غلط شود. دنیای مادیت روز، برهان و دلیل واضح آن است. زنی که فرزندان و شوهرش (که نزدیک ترین اشخاص در مصاحبت با او هستند) را به هیچ گرفته و ارزش های اخلاقی و انسانی را در رابطه با آنها نادیده انگاشته است، چه اطمینانی به او هست که ارزش والای

انسانی، اجتماعی را در مسائل سیاسی، اقتصادی و فرهنگی پاسداری کند و او که عفت و حیا را در محیط خانه پاس نداشته است، در صورت ورود به مراکز اداری، تجاری، سیاسی و فرهنگی باچه پشتوانه انسانی و ایمانی به حفظ عفت و حیا همّت خواهد گماشت. آیا جوانان از شرّ حرکت های شهوانی او مصون خواهند ماند؟ آیا مراکز فوق را آلوده به بی حیایی و بی عفتی نخواهد کرد؟! آیا عقل و هوش را از رئیس و مرئوس و واردین نخواهد گرفت؟! آیا چنین زنی مصداق این حدیث از امام علی ((علیه السلام)) نخواهد شد که فرموده اند: «يَظْهَرُ فِي آخِرِ الزَّمَانِ وَأَقْتِرَابِ السَّاعَةِ وَهُوَ شَرُّ الْأَزْمَنَةِ نِسْوَةٌ كَاشِفَاتُ عَارِيَاتٍ مُتَبَرِّجَاتٍ، مِنَ الدِّينِ خَارِجَاتٌ، فِي

دوره هشتم، شماره هیجدهم / ۴۵

الْفِتْنِ دَاخِلَاتٍ، مَائِلَاتٌ إِلَى اللَّذَاتِ، مُسْتَحِلَاتٌ
الْمُحَرَّمَاتِ فِي جَهَنَّمَ خَالِدَاتٌ؛^۱ در آخر زمان و نزدیک
شدن قیامت که بدترین زمانها است، زنانی پا به
صحنه اجتماع می گذارند که آشکار کننده (بدنها و
زینتهای خود هستند) و برهنه اند و خود را برای
نامحرمان می آریند، از دین خارج شدگان و در
فتنه ها (ی زمانه) داخل شونده اند، میل کننده به
خواسته های نفسانی اند و در این امر شتابگیرند به
لذات (شهوایی و حیوانی) و حلال کننده حرام ها
هستند.

۱. وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۱۹، حدیث ۵ و من لایحضره

الفقیه، ج ۳، ص ۲۴۷.

(اینان) برای همیشه در جهنمند^۱.

به هر حال، حسن تبعل که اولین وظیفه زن بعد از ازدواج است، رعایت حقوق و اخلاق اسلامی و... در خانه است. زنی به محضر پیامبر ((صلی الله علیه وآله)) رسید، عرض کرد یا رسول الله! حق شوهر بر زن چیست؟ حضرت در پاسخ فرمود: «این که از مرد (در غیر معصیت خدا) فرمان برد و او را نافرمانی نکند و جز به اجازه شوهر چیزی را از خانه او انفاق نکند و جز به اجازه اش روزه مستحبی نگیرد و شوهر را از تمتع و بهره های (شهوانی و ظرایف وجودی خود) باز ندارد، هر چند بر مرکبی سوار باشد. از

۱. وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۱۹، حدیث ۵ و من لایحضره الفقیه، ج ۳، ص ۲۴۷.

دوره هشتم، شماره هیجدهم / ۴۷

خانه خود جز به اذن شوهر خارج نشود. چنانچه بدون اجازه شوهر از خانه بیرون رود، فرشتگان آسمان و زمین و فرشتگان غضب و رحمت او را لعنت می کنند تا آن گاه که به خانه برگردد...»^۱.

۱. عن ابی جعفر ((علیه السلام)) قال: جاءت امرأة إلى النبی ((صلی الله علیه وآله)) فقالت: یا رسول الله «ص» ما حقُّ الزَّوجِ علی المرأة؟ فقال لها ان تطیعه ولا تعصیه ولا تصدق من بیته إلا باذنه ولا تصوم تطوعاً إلا باذنه ولا تمنعه نفسها وان كانت علی ظهر قَتَبٍ ولا تخرج من بیتها إلا باذنه وان خرجت بغير اذنه لعنتها ملائكة السَّماءِ و ملائكة الارض و ملائكة الغضب و ملائكة الرَّحمة حتّی ترجع الی بیتها...». وسائل الشّیعه، ج ۱۴، ص ۱۱۲، روایت ۱، باب ۷۹ از ابواب مقدماته...

آنچه در حدیث فوق آمده است، جزئی از مصادیق حسن تبعل و حقوقی است که مرد بر زن دارد.

حسن تبعل، علاوه بر فوائد دنیوی، اجتماعی و... سبب کمال انسانی زن است و زمینه را جهت پاداش عظیم خداوند که به زن اعطاء می شود، آماده می کند.

زنی به محضر رسول خدا ((صلی الله علیه وآله)) رسید و پس از احترام به مقام رسالت و اظهار ایمان به خدا و رسول خدا ((صلی الله علیه وآله))، به زبان اعتراض چنین عرض کرد: «...إِنَّا مَعْشَرَ النِّسَاءِ مَخْضُورَاتٌ، مَقْضُورَاتٌ قَوَاعِدُ يُبْتِغِيكُمْ وَمَقْضَىٰ شَهَوَاتِكُمْ وَحَامِلَاتُ أَوْلَادِكُمْ وَأَنْكُم مَعَاشِرَ الرِّجَالِ

دوره هشتم، شماره هیجدهم / ۴۹

فُضِّلْتُمْ عَلَيْنَا بِالْجُمُعِ وَالْجَمَاعَاتِ وَعِيَادَةِ الْمَرْضَى وَشُهُودِ
الْجَنَائِزِ وَالْحَجِّ بَعْدَ الْحَجِّ وَأَفْضَلُ مِنْ ذَلِكَ الْجِهَادُ فِي
سَبِيلِ اللَّهِ وَإِنَّ أَحَدَكُمْ إِذَا خَرَجَ حَاجًّا أَوْ مُعْتَمِرًا أَوْ مُجَاهِدًا
حَفَظْنَا لَكُمْ أَمْوَالَكُمْ وَغَزَلْنَا اثْوَابَكُمْ وَرَبَّيْنَا لَكُمْ أَوْلَادَكُمْ
فَمَا نُشَارِكُكُمْ فِي هَذَا الْأَجْرِ وَالْخَيْرِ؛ به راستی ما گروه
زنان، محاصره شده (و محدود در رفتار، گفتار و...) و
محبوس در خانه هستیم (و به ما اجازه خارج شدن
داده نمی شود) پایه و شالوده خانه های شما هستیم
(کنایه از این که امور خانه بردوش و عهده ما است)
و محلی برای برآوردن خواسته های نفسانی شما و
بردارنده فرزندانان می باشیم. و شما گروه مردان به
راستی که به سبب حضور در نماز جمعه و جماعات،
عیادت مریض، حضور در تشییع جنازه ها و بجا

آوردن حجّ بعد از حجّ بر ما زنان برتری جستید. و برتر از اینها جهاد در راه خدا است (که شما مردان در آن پیش قدم هستید) و آن گاه که فردی از شما برای حجّ و عمره و جهاد (از خانه) بیرون می رود، ما نگهبان اموال شما هستیم. و جامه شما را تهیه می کنیم. و به پرورش و رشد فرزندانمان مشغولیم. پس چگونه در این پاداش و خیر با شما شریک خواهیم بود؟!

حضرت ((صلی الله علیه وآله)) به اصحاب متوجه شده فرمود: «هَلْ سَمِعْتُمْ مَسْأَلَةَ امْرَأَةٍ قَطُّ أَحْسَنَ مِنْ مَسْأَلَتِهَا فِي أَثَرِ دِينِهَا هَذِهِ فَقَالَ: أَفْهَمِي آيَتَهَا الْمَرْأَةُ وَأَعْلِمِي مَنْ خَلْفَكَ مِنَ النِّسَاءِ، إِنَّ حُسْنَ تَبَعْلِ الْمَرْأَةِ لِرِزْوَانِهَا وَطَلَبُهَا مَرْضَاتِهِ وَإِتْبَاعُهَا مُوَافِقَتَهُ يَعْدِلُ ذَلِكَ

دوره هشتم، شماره هیجدهم / ۵۱

كُلَّهُ فَأَنْصَرَفَتْ وَهِيَ تُهَلِّلُ حَتَّى وَصَلَتْ إِلَى نِسَاءِ
قَوْمِهَا»^۱.

آیا سؤال زنی را هرگز شنیده اید که نیکوتر از سؤال این زن در امر دینش باشد؟ سپس فرمود: ای بانو! بفهم و به زنان دیگر که در انتظارت هستند اعلان کن، به راستی نیکو شوهرداری کردن و رضایت او را خواستن و پیرو نظرات و موافق او بودن، معادل تمام این هاست (که برای مردان شمردی) آن زن (با شنیدن این پاسخ از رسول خدا «صلی الله علیه وآله») برگشت و زبانش گویا به تسبیح و تقدیس (حق) بود تا به زنان قومش رسید.

دوّمین وظیفه زن

وجود زن از این امتیاز عالی برخوردار است که جایگاه پرورش موجودی است که پس از طی مراحل رشد، روح الهی در او دمیده می شود و براساس این امتیاز عالی، عقل و شرع، وظیفه و مسؤولیت سنگینی رابه عهده زن گذاشته است. مسؤولیتی که اثر مثبت آن به نحو مستقیم به موجود در رحم می رسد و غیرمستقیم در شؤون اجتماعی ظاهر می شود. ابتدا به مسؤولیت زن در این مورد اشاره می کنیم و آن گاه به اثر مثبت مستقیم و غیرمستقیم آن خواهیم پرداخت.

دوره هشتم، شماره هیجدهم / ۵۳

وظیفه زن در ساختار کودک

ازدواج مرد با زن فقط برای اطفاء شهوت حیوانی نیست. چنانکه منحصر به تولید مثل نمی شود. انسان در اِعمال و بکارگیری هر استعداد و غریزه ای، علاوه بر ارضاء خواسته آن غریزه، فطرت و فعلیّت استعدادها، باید توجّه لازم بلکه کافی را به دیگر خواسته های موجود در نفس انسان بخصوص مرتبه انسانی (که خواسته آن در رأس همه خواسته ها است) داشته باشد. به همین جهت، در مسأله ازدواج علاوه بر پاسخ گویی به خواسته شهوانی و بقاء نوع، باید به خواسته انسانی نفس در اِعمال غریزه جنسی توجّه شود. و آنچه انسان را در بکارگیری غریزه جنسی ممتاز از حیوان ها قرار می دهد؛ دخالت

مرتبه انسانی در کیفیت ارضاء شهوت و رشد و تکامل جنین در رحم است. و دخالت مرتبه انسانی، عبارت از انجام دستورات عقلی و دینی در مسأله ازدواج و تولید مثل است. و هدف از این دخالت همانا ایجاد زمینه و سرعت بخشیدن به تحقق غرض از خلقت انسان است. و غرض از خلقت تسبیح و تقدیس خدای متعال و نشانه اسماء و صفات او بودن و شدن است. از امام صادق ((علیه السلام)) است که فرمودند: وقتی حضرت یوسف ((علیه السلام)) برادرش را ملاقات کرد، گفت ای برادر! چگونه شد که بعد از من ازدواج نمودی و زن گرفتی پس بنیامین به برادرش یوسف ((علیه السلام)) گفت: «إِنَّ أَبِي أَمَرَنِي فَقَالَ: إِنْ اسْتَطَعْتَ أَنْ تَكُونَ لَكَ ذُرِّيَّةٌ تَثَقُلُ

دوره هشتم، شماره هیجدهم / ۵۵

الأَرْضَ بِالتَّسْبِيحِ فَأَفْعَلُ»^۱؛ همانا پدر مرا امر به ازدواج کرد و فرمود: اگر استطاعت و توانایی داری که دارای فرزندان باشی که زمین را به تسبیح (خدا) سنگین کنند. پس ازدواج کن.

و بر همین اساس، رسول گرامی اسلام ((صلی الله علیه وآله)) فرمودند: «مَا يَمْنَعُ الْمُؤْمِنَ أَنْ يَتَّخِذَ أَهْلًا لَعَلَّ اللَّهَ يَرْزُقُهُ نَسِيمَةً تَثْقُلُ الْأَرْضَ بِإِلَهٍ إِلَّا اللَّهُ»^۲؛ چه چیز مانع مؤمن است که همسری را برگزیند، شاید خدا فرزندان را روزی او گرداند که زمین را به لاله الا لله (شعار توحید) سنگین کنند (تا توحید را در جامعه نشر دهند) اگر محصول ازدواج

۱. وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۵، روایت ۹.

۲. وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۳، روایت ۳.

و تشکیل خانواده فرزند یا فرزندانی باشند که با اندیشه و عمل، مروج توحید، پاکی، صداقت و عزت انسانی باشند، غرض و هدف انسانی ازدواج تحقق می یابد. در غیر این صورت، ازدواج محصور در اطفاء غریزه شهوت و تولید مثل خواهد شد. و امتیازی با سایر حیوان ها وجود نخواهد داشت.

زن علاوه بر حفظ مسؤولیتهای قبلی، مسؤولیت جدید را که حراست از کیفیت رشد و نمو جنین در رحم است، با دقت تمام به انجام می رساند و به عبارت دیگر، رحم خود را محیط امن و سلامت روحی و جسمی موجود مستقر در آن قرار می دهد. برای ایجاد چنین جایگاهی رعایت مسائلی از جمله تغذیه حلال ضروری است.

تغذیه حلال

آن چنانکه از روایات اسلامی استفاده می شود، غذای حلال و رویش بدن از حلال، یکی از پراهمیت ترین نقش ها را در سعادت انسان دارد؛ چنانکه غذای حرام و رویش بدن از آن یکی از بدترین اثرات منفی را در نفس می گذارد. و شرطی قوی جهت شقاوت است. و به جهت همین نقش اساسی حلال است که افضل عبادات شمرده شده است.

«الْعِبَادَةُ سَبْعُونَ جُزْءًا أَفْضَلُهَا جُزْءُ الْحَلَالِ»؛

عبادت هفتاد جزء است، بهترین آن طلب حلال است.

طلب حلال، عبادت است. عبادتی که در شعاع آن اوامر بسیاری انجام گرفته و نواهی بسیاری نیز ترک شده است؛ زیرا درآمد حلال مستلزم این است که دستورات عقل و شرع کاملاً رعایت شود. روی این اساس، غذای حلال غالباً آمیخته با درست کاری، امانت داری، عدالت، و احیاناً رضایت خدا است. و نیز غالباً آمیخته با ترک دروغ، خیانت، مکر، حيله و همراه نبودن سخط خداوند است. بنابراین، در بطن این عبادت، عبادات بسیاری است. لقمه حلال جوهره افعال شایسته و نیتی انسانی می باشد و به همین جهت، اثر معنوی خود را بر رویش بدن و استعدادها و غرایز می گذارند و اعضاء و جوارح روئیده از حلال مایل به حلال خواهد بود.

دوره هشتم، شماره هیجدهم / ۵۹

زن در هنگام حاملگی چنانچه این امر مهم را رعایت کند و مرد خانه با تهیه غذای حلال، زن را در این امر یاری کند نه تنها جسم کودک رشد سالم مادی خواهد داشت که رحم ظرف ظهور استعداد و زمینه سعادت در کودک خواهد شد. و در واقع زن با انجام این وظیفه، قلبی نورانی پیدا می کند و کودکی که در دامن چنین خانمی پرورش یابد، از رشد نورانی در استعدادها و مراتب نفس برخوردار خواهد بود.

رسول خدا ((صلی الله علیه وآله)) فرمود: «مَنْ أَكَلَ الْحَلَالَ أَرْبَعِينَ يَوْمًا نَوَّرَ اللَّهُ قَلْبَهُ»؛ کسی که چهل روز از حلال تغذیه کند، خداوند قلبش را نورانی

می کند. علاوه بر مسأله تغذیه حلال، رعایت بهداشت تن و روان، نیت سالم، مجامعت در وقت و زمان مناسب، یاری جستن از خدا، به یاد خدا بودن و ادامه بر فضائل در اندیشه، عمل و دوری از محرّمات برای ظهور فعلی محصول انسانی در رحم از سوی زن باید رعایت شود. آنچه بیان شد اجمالی بود از نقش تعلیمی و تربیتی زن. امید آن که زنان جامعه با حفظ عفت و شرف خود، مادران شایسته ای برای فرزندان خود باشند.^۱

پایان

۱. امام صادق ((علیه السلام)) فرمود: طُوبَى لِمَنْ كَانَتْ أُمُّهُ عَقِيقَةً؛ خوشبخت کسی که مادرش پاکدامن باشد. لئالی الاخبار، ص ۴۹۶.

دوره هشتم، شماره هیجدهم / ۶۱